

نگاهی به شخصیت، موسیقی و ترانه‌های باب دیلن

باب دیلن آن جا نیست

هومن ظریف

«مردم فکر می‌کنند که من تصوراتی فانتزی دارم، در صورتی که من خیلی دلنگ هستم»؛ این جمله که در متن فیلم آمده، نقش کلید واژه‌ی را بازی می‌کند که برای درک نام فیلم «من آن جا نیستم» درباره‌ی «باب دیلن» ساخته شده است.

باب دیلن، بازیگر فیلم‌های وسترن، شاعر، نقاش، ترانه‌سرا، خواننده‌ی ترانه‌های سنتی و یا به تعبیری محلی و ترانه‌خوان عصیانگر و البته نوازنده‌ی گیتار و سازدهنی، در تیررس فیلم من آن جا نیستم قرار گرفت. او دارای تمام ویژگی‌های ذکر شده است ولی در جایگاه باب دیلن، به عنوان یک «من» شخصیتی، هیچ کدام از ویژگی‌ها را ندارد. پشت همهی ترانه‌های او هر شخصیتی باشد، یک تاریخ ۵۰ ساله ایستاده است. در واقع باب دیلن همهی شخصیت‌های شش‌گانه‌ی فیلم من آن جا نیستم را در بر دارد. ولی هیچ کدام از آن‌ها نیست، بلکه او تنهاست.

گام اول؛ شناسنامه‌ی فیلم

من آن جا نیستم به کارگردانی «تاد هاینس»، با فیلمنامه‌ی از خود او با مشارکت «اورن موورمن» و با بازی «کریستین بیل»، «کیت

بلانشت»، «ریچارد گیر»، «هیث لجر»، «میشله ویلیامز» و «جولین مور» ساخته شده است. این فیلم با مدت‌زمان ۱۳۵ دقیقه، محصول سال ۲۰۰۷ آمریکا و آلمان است.

سایت رسمی فیلم www.imnotthere.es است.

نامزدی اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل زن، نامزدی گلدن گلاب برای بهترین بازیگر نقش مکمل زن، نامزدی جایزه‌ی بافتا برای بهترین بازیگر نقش مکمل زن، نامزدی جایزه‌ی شیر طلایی و برنده‌ی جایزه‌ی بهترین بازیگر زن، جایزه‌ی ویژه‌ی هیئت داوران و بهترین فیلم از جشنواره‌ی فیلم ونیز، نشانگر درخشش کیت بلانشت در نقش «جود»، یکی از ابعاد شخصیتی باب دیلن است.

گام دوم؛ داستان در یک نگاه

من آن جا نیستم، فیلمی است انتزاعی که خط داستانی درستی ندارد و زندگی موسیقایی دیلن را در شخصیت‌های جداگانه با هنرمندی شش بازیگر به تصویر می‌کشد. شاعر، مصلح، یاغی و سرکش، مقلد، ستاره‌ی موسیقی و گروه‌هایی به دین، هویت‌های چندگانه‌ی باب دیلن در این فیلم است.

جود، یکی از شخصیت‌های دیلن با هنرمندی بلانشت، در صحنه‌ی از فیلم می‌گوید: «هی دونی، واقعاً اهمیتی نداره چه چرندیاتی به موسیقی من اطلاق می‌شه. آه. موسیقی فولکلور فقط یه اسمه! چیزی که من هیچ وقت اونو به کار نبردم. می‌دونی، من از موسیقی سنتی حرف می‌زنم».

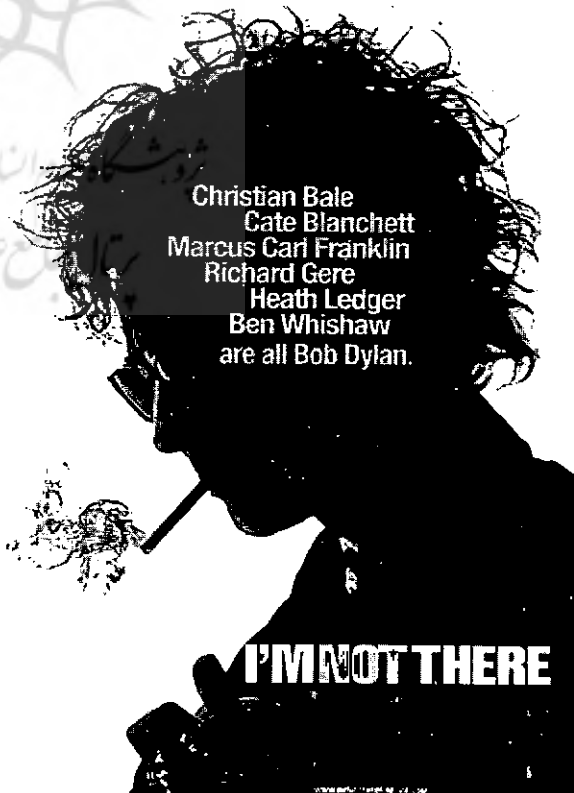
جود در ادامه می‌گوید: «این ترانه‌ها تو قلب مردم رشد می‌کنه و اونا یا حرفتی تمام فکر می‌کنن سنتی‌ه، در صورتی که ترانه‌ها از بین نمی‌رن؛ اونا فولکلور نیستن، اونا ترانه‌های سیاسی هستن. می‌دونی، این یه فعالیت سنتی‌ه، این ترانه‌های فولکلور به صورت رمزآلودی جمع می‌شن».

و این جاست که راز ادامه‌ی داستان باب دیلن چندوجهی، آشکار می‌شود. او بر پایه‌ی سنت، همان‌گونه که ساز آکوستیک خود را با گیتار الکترونیک معاوضه می‌کند، به بازتاب تمایلات انسانی و آزادی‌خواهانه تبدیل می‌شود. این تغییر در ظاهر است، چرا که به گفته‌ی او: «آهنگ‌های من ریشه‌های سنتی دارن؛ من خودم اونا رو نوشتم اما من برای گذشته دلنگ نیستم، من در امروز زندگی می‌کنم و از این مسئله لذت هم می‌برم»؛ مهم این است که او در امروز زندگی می‌کند.

گام سوم؛ نقد گونه

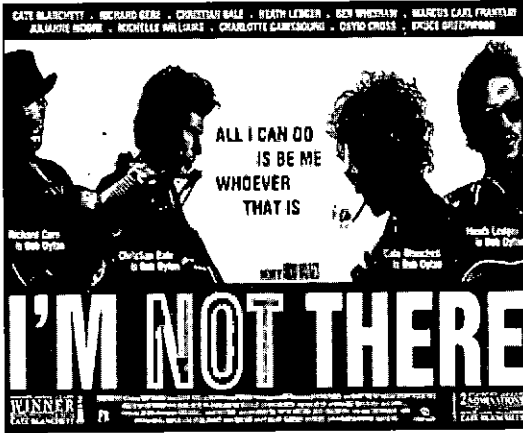
کارگردان فیلم چنان شیفته‌ی سوژه است که در پی ترغیب بینندگانی به غیر از خیل عظیم طرفداران باب دیلن نیست، چنان‌که «پیتر تراویس» از نشریه‌ی رولینگ‌استون درباره‌ی فیلم گفته است: «من آن جا نیستم، ضیافتی است برای چشم‌ها و گوش‌های هر بیننده، با استفاده از آهنگ‌هایی که در ذهن و قلب‌های ما جای دارد».

در واقع همواره صحبت کردن درباره‌ی فیلمی تاریخی، لنگشگاهی است که کوچک‌ترین غفلت باعث می‌شود جزئیات فیلم چنان باعث شیفتگی شود که در قعر نوستالژی فرو رویم! مضاف بر این، ساختن این فیلم اگر درباره‌ی یک اسطوره‌ی موسیقی باشد که هنوز در قید حیات است، سخت‌تر است! اما اگر فیلم من آن جا نیستم می‌توانست پلی ارتباطی



Christian Bale
Kate Blanchett
Marcus Carl Franklin
Richard Gere
Heath Ledger
Ben Whishaw
are all Bob Dylan.

I'M NOT THERE



I Saw Guns and Sharp in The Hands of Young Children

تفنگ و شمشیری تیز دیدم که کودکان در دست داشتند البته هوشیاری و بیم و امید مصلحانه‌ی دین در جای جای ترانه‌هایش دیده می‌شود؛ دیدگاهی رستاخیزی که همه‌ی جهان را به پایان جهان و آخرالزمان اشارت می‌دهد و جهان پیرامونش را تیره و تار معرفی می‌کند:

I Pity The Poor Immigrant Dear Landroad

دنیای مستأجران مستمندی که مورد ستم قرار گرفته‌اند
 With The God in Our Stand
 جهانی که هر بخش و ملتی در نبرد با دیگران، خدا را همراه و دوشادوش خویش می‌داند!
 و این‌گونه است که قافیه‌های باب دین، با گذر از توده‌ی اجتماع به صورت نمادین و دلنشینی به دل می‌نشیند:

Light Yourself A Candle, Don't Wear Sandals

پس یه شمع روشن کن، یادت باشه که صندل نپوشی
 Try to Avoid Scandals
 خودت را رسوا نکن
 Don't Wanna Be A Bum
 نخواه که یه آدم ولگرد بشی
 Your Better Chew Gum
 اصلاً بی‌خیال، بهتره یه آدامس بجویی
 به سه واژه‌ی «Candle»، «Sandal» و «Scandal» توجه کنبد که چه زیبا ردیف شده‌اند.

و در جای دیگری شیپور اسرافیل در رستاخیز را نوید می‌دهد:
 I Knew The Night Had Gone
 فهمیدم که شب سپری شده
 The Morning Breeze Like A Bugle Blew

و نسیم صبح مانند دمیدن شیپور
 Against The Drums of Dawn

به سوی طبل‌های طلوع خورشید می‌وزید ■

بین علاقمندان عام موسیقی با حال و هوای این نابعه‌ی موسیقی باشد، راحت‌تر از این می‌توانستیم درباره‌ی این فیلم حرف بزنیم. به هر حال این اتفاق نیفتاد و فیلم فقط قلب و مغز علاقمندان آشنا با زوایای زندگی باب دین را نشانه رفته است. شاید هم این فیلم برای بینندگان ایرانی کم‌تر ملموس باشد، چون مشکل زبان و جغرافیا باعث شده است که اوج شناسایی علاقمندان به موسیقی در ایران، چند ترانه از چند خواننده و گروه موسیقی بیش‌تر نباشد؛ مگر چند بار در این چند دهه‌ی اخیر در ایران درباره‌ی موسیقی دین، کتاب و یا حتی مقاله‌یی در مجله‌یی به چاپ رسیده است؟

گام چهارم؛ دین

«رابرت آلن زیرمن» به تاریخ ۲۴ می ۱۹۴۱ در ایالت مینه‌سوتا به دنیا آمد. باب دین، نامی است که او در سال ۱۹۶۱ برای خود انتخاب کرده است. ناقدان اتفاق نظر دارند تأثیری که او بر موسیقی پاپ گذاشته، با هیچ هنرمند دیگری قابل مقایسه نیست؛ تأثیری که در ایران به تازگی با صدای «محسن نامجو» ملموس شد، هرچند نامجو شخصیت‌پردازی را در ترانه بیش‌تر و رنگین‌تر کرده و شاید به این دلیل است که نیویورک تایمز او را در سال ۲۰۰۷ «دین ایران» نامیده است؛ به هر حال باب دین ۶۷ ساله، ترانه‌هایی تحت تأثیر آثار نمادین شاعرانی چون «آرتور رمبو» و «شارل بودلر» دارد.

فیلم‌های «به پشت سر نگاه کن» به کارگردانی «دی ای پن بیکر» (۱۹۶۷)، «Eat The Document» به کارگردانی باب دین، «پت گرت و بیلی د کید» به کارگردانی «سام پکین‌یا» (۱۹۷۳) با حضور دین، «رونالدو و کلارا» باز هم به کارگردانی باب دین، «قبادار و گمنام» اثر «لری چارلز» (۲۰۰۳) با بازی باب دین و «راهی به خانه نیست» اثر «مارتین اسکورسیزی» در سال ۲۰۰۵، از جمله آثاری است که درباره‌ی او یا حضور او ساخته شده است. او تا کنون جوایز متعددی از گرمی، گلدن گلاب و اسکار دریافت کرده است. ترانه‌های او را خوانندگان بسیاری چون «جیمز هندیکسی»، «جانی کش»، «جان بائز»، «جان لنون»، «استیوی واندر»، «اریک کلاپتون» و «وایت استریپ» خوانده‌اند.

گام پنجم؛ کیت بلانشت

یکی از دلایل اقبال عمومی فیلم من آن‌جا نیستم، بازی یک زن در نقش یک مرد است. کیت بلانشت، در نقش جود، یکی از ابعاد شخصیتی باب دین، به عنوان یک مرد از چند لباس اضافه استفاده کرده است. او می‌گوید: «این امر به من کمک کرد تا بتوانم شبیه مردها راه بروم».

گام ششم؛ ترانه‌های دین

بنا بر نظر منتقدان، دین از موسیقی به ادبیات رسیده است؛ ادبیاتی که نه تنها عصا قورت‌داده نیست، بلکه درد دل مردم را با قافیه‌بندی خاصی بازگو می‌کند. آن‌جا که از جنگ و تاریکی‌های جهان پیرامون خود سخن می‌گوید، با صدایی رسا و البته تودماغی اردکانندش می‌خواند:

I Saw Ten Thousand Talkers Whose
 Tongues Were All Broken

ده هزار سخنور را دیدم که همگی بی‌زبان و کور منطق بودند